

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۴

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

دوره ۲۱- شماره ۷۹- بهار ۱۴۰۳- صص: ۱۷۷-۱۶۳

تحلیل انواع معیت الهی و راه‌های دست‌یابی به آن

مرضیه کرمی^۱

امیر توحیدی^۲

محسن احتشامی‌نیا^۳

چکیده

واژه معیت یکی از واژگان مهم و پرکاربرد در آیات و روایات قرآنی می‌باشد. واژه معیت با عنوان همراهی و احاطه کامل در نوع معیت عام الهی و معیت خاص الهی می‌باشد. معیت عام الهی شامل تمام انسان‌ها می‌شود اما معیت خاص الهی با رعایت شرایط خاص از جمله تقوا به دست می‌آید. اغلب از معیت خاص الهی به عنوان معیت الهی و حجج الهی یاد می‌شود و حجج الهی نیز همان پیامبران و امامان معصوم (ع) می‌باشند. بنابراین انسان‌ها در هر برهه از زمان برای رسیدن به معیت خاص الهی نیز به امام معصوم (ع) نیازمند هستند. در این پژوهش سعی شده با تکیه بر آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم (ع) به تحلیل انواع معیت الهی پرداخته و چگونگی دست‌یابی به معیت خاص الهی مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: معیت عام، معیت خاص، متقین، صابرين، محسنين.

۱- دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

amir_tohidi_110@yahoo.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

از مباحث مهم و قابل طرح در حوزه معارف قرآنی، «معیت الهی» است. با بررسی مضامین برخی از آیات شریفه این کتاب آسمانی، روشن می‌شود که گاه مقصود از همراهی و معیت خدای سبحان، اشراف و جودی و احاطه علمی او به همه آفریدگان خود از جمله انسان‌هاست که از آن به «معیت عام» تعبیر می‌کنیم و گاه مراد، عنایات ویژه پروردگار به افراد و گروه‌هایی خاص از انسان‌هاست که از آن به «معیت خاص» تعبیر می‌شود. معیت خاص خود بر دو گونه است، معیت مهر و معیت قهر که در این تحقیق بیشتر به معیت مهر پرداخته شده است. آیاتی که در قرآن کریم اشاره به معیت الهی دارد معیت خاص می‌باشد؛ زیرا اگر خداوند با جبهه‌ای همراهی داشته‌باشد، این جبهه قطعاً و بلاشک پیروز است. خداوند مطابق با آیات قرآن کریم که بر همراهی خداوند با گروهی خاص اشاره کرده است (معیت خاص الهی) می‌فرماید: «قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمْعُونَ» (شعرا/۱۵)؛ من با شما هستم، از چه کسی می‌ترسید؟

یا در آیه دیگر که موسی و هارون می‌گویند: «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا/۶۲)؛ موسی گفت: هرگز چنین نیست، که خدا با من است و مرا به یقین راهنمایی خواهد کرد.

اینجا حضرت موسی به اعتماد همان وعده الهی می‌گوید «كَلَّا»؛ چنین نیست؛ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا/۶۲)؛ پس خدای متعال این وعده را قطعی داده است؛ سپس در آیه شریفه سوره احزاب اشاره به سنت الهی دارد: «لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/۶۲)؛ بلاشک این (سنت الهی) همیشه هست.

یکی از منابع ارزشمند که روایات معیت در آن آمده، کتاب نهج البلاغه است. در آنجا از امام علی (ع) نقل شده است: «وَإِنَّ الْكِتَابَ لَمَعِيَ مَا فَارَقْتُهُ مُذْ صَجَّيْتُهُ» (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۲۱)؛ کتاب خدا قرآن کریم با من است از زمانی که با آن مصاحب و همراه گردیده‌ام، جدانگشته‌ام.

این بیان گوهر بار از امام علی (ع) را می‌توان یکی از شواهد مهم نهج البلاغه درباره مسئله معیت ارزیابی کرد و مفسران این کتاب ارزشمند نیز از مصاحبت امام معصوم (ع) با قرآن و جدایی‌ناپذیری این دو گوهر گرانبها سخن گفته‌اند. آیت الله میرزا حبیب‌الله خوبی در این باره روایت کرده است:

مراد حضرت آن است که کتاب خداوند، چه از حیث لفظی و چه معنوی، همواره همراه و هم‌سوی من است، نه من از آن جدا شده‌ام و نه آن کتاب شریف لحظه‌ای از من مفارقت داشته است و

هرگز نسبت به کاری که مخالف قرآن باشد و موجبات عصیان الهی را فراهم‌کند، اقدام نورزیده‌ام (خوبی، ۱۴۰۸: ۸، ۱۴۵).

دیگر مفسر نهج‌البلاغه، علامه محمدتقی جعفری نیز در شرح ابن‌سرخن گوهربرار امام (ع) می‌نویسد: کلام خدا که قرآن نامیده‌می‌شود، در اعماق جان من موج‌می‌زند. من از قرآن جدا نبوده و نخواهم بود، مگر نه این است که ما اهل بیت و قرآن، دو ثقل جاودانی هستیم که پیامبر در میان انسان‌ها گذاشته و رفته‌است (جعفری، ۱۳۷۶: ۹، ۱۳۱).

و یا در احادیث دیگری شیخ کلینی و ابن‌بابویه در خصوص معیت چنین روایت کرده‌اند:
«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ، وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا، لَا نُفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱، ۱۹۱)؛ (قمی، ۱۴۱۳: ۲۴۰).
«خداوند متعال ما را پاک و مصون داشته و ما را شاهدان بر خلق و حجت خود در زمین قرار داده است و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده؛ به طوری که هرگز از قرآن جدا نمی‌شویم و آن نیز از ما جدا نمی‌شود».

علاوه بر این از دیگر معصومان (ع) نیز روایاتی در این زمینه نقل شده‌است؛ اما روایت نبوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌در خصوص معیت بسیار به چشم می‌خورد و ارزشمند است که می‌فرماید:
«عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛ علی با قرآن است و قرآن با علی است و آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض به من برسند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۶۰). این روایات ارزشمند شهرت ویژه‌ای دارند و به معیت حضرت علی (ع) با قرآن کریم دلالت دارند (رازی، ۱۴۰۸: ۷۳). مفاد ارزشمند روایت تقلین نیز بر معیت اهل بیت (ع) با قرآن اشاره دارد و بر جدایی‌ناپذیری آن‌ها از یکدیگر دلالت دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛ همانا من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم که اگر شما بر آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد بعد از من یکی کتاب خدا و دیگری فرزندان من است این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه بر من وارد شوند در کنار حوض.

بنابراین با توجه به تعدد زیاد روایات معیت در منابع معتبر شیعی و نقل آن‌ها توسط چند تن از امامان معصوم (علیه السلام) با مضامین یکسان یا مشابه که مضمون و محتوای آن‌ها مؤیدی است بر حدیث تقلین که از رسول خدا برای امت به یادگار مانده و شاهد صدقی در شناخت معیت جدایی‌ناپذیر قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

پیشینه تحقیق

الهیان و پور رستمی، ۱۳۸۹، پیرامون کارکردهای کلامی روایات معیت در اندیشه شیعه تحقیق و به تحلیل وجوه معنایی معیت، نتایج و لوازمی را در دو حوزه عترت‌شناسی و قرآن‌شناسی در پی خواهد داشت پرداختند.

مهدی دهباشی، ۱۳۸۸، به تفسیر حکمی معیت حق تعالی با جهان هستی در کتاب و سنت پرداخته و بحث معیت حق تعالی در جهان هستی را با آیات متعدد در قرآن و روایات و با تعبیر گوناگون مورد بررسی قرار داده است.

رحمتی، ۱۳۹۵، معیت سرمدی خداوند و علم مطلق و وجوه مختلف آن را مورد پژوهش قرار داد. برخوردار و محمدی، ۱۳۹۸، همراهی الهی در نظریه «معیت قیومی صدرایی» را بررسی کرده و با توجه به اینکه انتقاداتی بر تفسیر معیت به «معیت قیومی»؛ همچون «عدم سازگاری با سیاق آیه» و «تحمیل پیش‌فرض‌های عرفانی» وارد شده بود اما در پژوهش حاضر نشان دادند که طرح معیت قیومی می‌تواند افزون بر حل مسئله تعارض ظاهری آیه با مبانی توحیدی، مخاطب را با استفاده از میراث تفسیری، به منظومه‌ای از معانی رساند که هریک وجهی از معیت خدا با بندگان را تبیین کند. بر این اساس برای مخاطب وحی، معیت خدا با بندگان، تصویر جامع‌تری پیدا می‌کند.

تحلیل واژه معیت

«مع» یکی از واژه‌های پرکاربرد در آیات قرآنی می‌باشد و با معانی پایه و نسبی قابل تفهیم می‌باشد. در واقع این معانی پایه و نسبی مجموعه‌ای از معناها هستند که در یک وجه مشترک گردآمده‌اند. به بیانی دیگر افتراق مفاهیم سبب تقسیم‌بندی مفاهیم به دو گروه نسبی و پایه می‌شود.

واژه «مع» اسم است که بر همراهی در زمان، مکان، رتبه و منزلت اشاره دارد و در واقع این اسم در صورت اضافه شدن به اسمی دیگر به معنی مصاحبت و همراهی کردن است و همواره در قرآن به صورت مضاف به اسم دیگر آمده است. بنابراین، به نظر می‌رسد اسم «مع» در معنای پایه و اصلی همان مصاحبت و همراهی نمودن می‌باشد. نکته قابل توجه آن است که باید فضای متن آیه مورد نظر به دقت مورد بررسی قرار گیرد چراکه کلمات و واژه‌های استفاده شده در آیه، بر درک معنای واژه مع تأثیرگذار است. به عنوان نمونه خداوند در آیات زیر در مورد واژه «مع» می‌فرماید:

«أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره/۱۹۴)؛ که از معیت خدا با پرهیزکاران خبر می‌دهد.

و در آیه «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴)؛ که معیت عام الهی را مطرح می‌کند.

«وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام/۱۰۰)؛ او از همه این نسبت‌ها برتر و منزّه است.

با توجه به مفاد آیات مذکور، که اشاره به برتر و والاتر بودن خداوند از همه چیز و همه کس دارند پس همراهی او با بندگان در زمان و مکان، نمی‌تواند معنا داشته باشد. چنانکه حضرت علی (ع) فرمود: «مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَّا بِمُقَارِنَةٍ وَغَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا بِمُزَايَلَةٍ» (او با همه چیز است؛ اما نه به این صورت

که قرین آن‌ها باشد و غیر همه چیز است، اما نه به این معنا که بیگانه و جدا از آن‌ها باشد. یعنی اینکه با هر چیز هست و همنشین و یار آن نیست. این روایات اشاره به نامحدود بودن ذات پاکش دارد. او به همه چیز نزدیک است؛ اما نه به معنای چسبیدن و انضمام یا حلول و اتحاد؛ بلکه به معنای حضور در همه جا و احاطه هر چیز و او از همه چیز دور است، نه به معنای فاصله‌گرفتن و جدایی از اشیاء؛ بلکه به معنای برتر و والا بودن وجود و صفات او نسبت به همه اشیاء است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۶، ۲۶۲).

معنای اصطلاحی مع در کلام فلسفه

اصطلاح «مع» در فلسفه عبارت از اشتراک معنایی دو چیز بدون توجه به اختلاف آن‌ها از حیث کمال، نقص، تقدم و تأخر است. اما این به معنای این نیست که تقدم و تأخر بین دو چیز برقرار نباشد، اما با هم دارای نوعی معیت باشند، چنان‌که جواهر مفارق دارای معیت زمانی نیستند. در حالت کلی قرار نیست که هر جا تقدم و تأخر هست، معیت هم باشد؛ بلکه تقابل میان آن‌ها از نوع عدم و برتری است.

پیش از ملاصدرا، مفسران لفظ مع را مشترک لفظی دانستند. آن‌ها با توجه به معنای ظاهری آن، معیت الهی با انسان‌ها را به معانی گوناگونی بیان نموده‌اند؛ اما ملاصدرا معتقد است نباید از ظاهر الفاظ مشابه عبور کرد و آن‌ها را با بیان مختلف گفته‌است. وی در این زمینه مسئله معیت قیومیه را مطرح می‌کند که مخاطب را به دور از ظاهر لفظ معیت به نگرش باطنی از معنای معیت دعوت می‌کند. بنابراین بر اساس دیدگاه جهان بینی ملاصدرا معیت بر همراهی مطلق دلالت دارد و دارای اقسام متعددی می‌باشد. البته انتقاداتی نیز بر این نظریات عرفانی مانند ارتباط معیت با معیت قیومیه و تفسیر آن با معیت قیومیه و عدم سازگاری با سیاق آیه نیز وجود دارد اما تلاش محققان بر این است معیت خدا با بندگان برای مخاطب وحی تصویر جامع‌تری پیدا کند.

معنای اصطلاح معیت در کلام عرفا

از جمله مباحث بحث انگیز در عرفان اسلامی بحث معیت حق تعالی در جهان هستی است که در آیات و روایات قرآنی با تعبیر گوناگون مطرح شده‌است. عرفان اسلامی بر دو نوع عرفان نظری و عملی تقسیم می‌شود. عرفان نظری جنبه معرفتی و تعقلی عرفان محسوب می‌شود؛ معیت در عرفان نظری، به معنای همراهی جسمانی است؛ آیه زیر به همراهی الهی یعنی این نوع معنای معیت اشاره دارد:

«وهو معکم اینما کنتم» (حدید/۴)؛ نمی‌تواند همچون همراهی ما با دیگر اشیا باشد.

بیان روشن‌تر اندیشه‌های جسورانه عارفانه را در مورد معیت الهی نزد ابن عربی می‌یابیم که درباره «هم‌بودی» (معیت) خدا و جهان، می‌گوید که دوام هم‌بودی حق با جهان، همواره حکم جمع در وجود و در عدم است، زیرا او با «ممکن» است در حال عدم آن، همان‌گونه که با ممکن است در حال وجود آن ما هر جا که باشیم خدا با ماست. پس توحید، معقول است و غیر موجود، اما جمع موجود است و معقول اگر خدا خواهان توحید بود، جهان را به هستی نمی‌آورد، درحالی‌که می‌دانست اگر جهان را به

وجود آورد، به او مشرک می‌شود؛ سپس جهان را به توحید خود خواند. پس این کرده خودش بود که به او بازگشت، زیرا خدا بود و چیزی متصف به وجود با او نبود پس او نخستین سنت‌گذار شرک است، زیرا جهان را با خود در هستی شریک‌کرد. جهان چون چشم خود را گشود و خود را نگرست، خود را در وجود یافت. جهان، ذوقی در توحید ندارد پس از کجا آن را بشناسد؛ هنگامی که به جهان گفته‌شد: آفریننده‌ات را یگانه کن، جهان این خطاب را نفهمید و چون این خطاب مکرر و مؤکد شد که تو از «یکی» صادر شده‌ای، جهان گفت نمی‌دانم چه می‌گویی من جز اشتراک نمی‌فهمم، زیرا صدور من از ذاتی یگانه که نسبتی میان من و او نباشد، درست نمی‌آید، پس ناگزیر بایستی با نسبتی علمی یا نسبتی قادری بوده‌باشد. اگر هم قادر باشد، ناگزیر از اشتراک دومی است، یعنی این که برای من از ذات خودم باید پذیرشی برای اقتدار و تأثیر آن در وجودم باشد؛ پس من از «یکی» صادر نشده‌ام، بلکه از ذاتی قادر، در چیزی پذیرای اثر اقتدار او، صادر شده‌ام؛ یا بنا بر مذاهب هواداران علل، از حکم علتی و پذیرندگی معلولی صادر شده‌ام. پس من در وجود، طعم وحدت را نمی‌شناسم (ابن عربی، ۱۲۹۳: ۴، ۳۰۷).

عرفان عملی آن است که انسان در مسیر معرفت آن محبوب حقیقی از طریق خودسازی و زدودن زنگار گناه از دل و صیقل دادن آن و مناجات با او و انجام واجبات و ترک محرّمات به جایی رسد که انوار معرفت الله بر قلب او بتابد و چهره یار را در آینه دل دیدار کند. معیت در عرفان عملی همان تقرّب است. احوال عرفانی یکی از مباحث مهم و مشروح عرفان و تصوف اسلامی، به‌شمار می‌آید. سالک در مسیر سلوک خود برای وصول به کمال، باید نفس را از هواهای نفسانی پاک‌کند، بدین منظور کسب مقامات عرفانی باعث صاف‌شدن اندرون سالک می‌گردد و در نتیجه او آمادگی و شایستگی کامل پیدامی‌کند تا احوال عرفانی بر او وارد شود. «قرب» یکی از مهم‌ترین احوال عرفانی است که علاوه بر جایگاه والای آن در قرآن کریم، از اهمیت بسیاری در آثار عرفا برخوردار است، تا جایی که بیشتر عرفا در آثار خود از احوال عرفانی و به‌ویژه حال قرب استفاده کرده‌اند. رسیدن به این حالت قرب عرفانی همان برخورداری از معیت الهی می‌باشد (مجلسی، ۸۹، ۲۰۷ - ۱۰۷).

معنای اصطلاح معیت در قرآن و روایات

قرآن کریم با تعبیرهای مختلف به بیان واژه معیت می‌پردازد، و از احاطه قیومی و علمی خداوند نسبت به مخلوقات سخن می‌گوید که این همان نشانه توحید ناب الهی می‌باشد. مع در قرآن در اکثر موارد در معنای اصلی (همراهی) به‌کاررفته‌است که خود این نوع معیت در سه نوع مطلق، مطلوب و نامطلوب تجلی می‌یابد. در برخی از آیات نیز معیت بر اساس تأثیر بافت زبانی در معنای نسبی (نصرت و یاری‌رساندن و احاطه علمی داشتن) به‌کاررفته‌است. معانی نسبی مع در واقع بیانگر معیت الهی است. با بررسی مضامین برخی از آیات کتاب آسمانی قرآن، روشن می‌شود که گاه مقصود از همراهی و معیت خداوند سبحان با همه آفریدگان خود از جمله انسان‌ها، بیانگر اشراف وجودی و احاطه علمی

او بر آفریدگانش است که به معیت عام تعبیر می‌شود و گاه مراد، عنایات ویژه پروردگار به افراد و گروه‌هایی خاص از انسان‌هاست که از آن به معیت خاص (معیت مهر و معیت قهر) تعبیر می‌شود. شرط برخورداری از معیت خاص الهی، ایمان به خدا، تقوا، صبر و احسان به دیگران است. البته اطاعت از دستوره‌های خدا و پیامبر و پایبندی به میثاق الهی نیز در این زمینه، تأثیر بسزایی دارند که خود آن‌ها مصادیق مهم تقوا هستند.

معیت خدا با خلق

حضرت حق تعالی نسبتی با خلق را دارد که از آیات قرآنی، قابل استنباط می‌باشد. حضرت حق که مبدأ هستی است در همه عالم جریان دارد. خداوند در حدود و مراتب اشیاء داخل نیست و درعین- حال از حیث وجودی، از عالم خارج نیست. این معنا، همان معیت قیومی حق تعالی با خلق می‌باشد. بنابراین، همه خلق، شئون و مراتب ظهور وجود خداوند هستند. البته شأن، هرگز در حدی نیست که معیت با ذات حق داشته‌باشد. یعنی هیچ موجودی در مرتبه ذات حق تعالی نیست تا با او معیت داشته- باشد. به همین جهت، حق تعالی در مقام ذات، تنهای تنهاست و در مقام ظهور، دارای معیت قیومی با خلق می‌باشد. این نوع معیت فراتر از معیت مکانی و زمانی است زیرا ذات حق تعالی منزله از زمان و مکان می‌باشد (بحرانی، ۱۳۷۵: ۱، ۸). مخلوقات از خداوند افتراق‌پذیر نیستند و در ایشان فانی خواهند شد، لذا ذات مقدس پروردگار که اصالت و وجود دارد، لازمه وجود و عدم تناهی است، این عدم تناهی، همه موجودات را فراگرفته و با آن‌ها معیت دارد، به‌عنوان نمونه در آیات زیر از به این نوع از معیت اشاره شده است: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴)؛ «و هر کجا باشید او با شماست». «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا» (مجادله/۷)؛ «هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آن‌ها و نه پنج کس جز آنکه خدا ششم آن‌ها و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه هر کجا باشند او با آن- هاست». تمام این آیات و آیات بسیار دیگری در قرآن کریم دلالت بر این نوع معیت دارند.

معیت خدا با امامان معصوم (ع)

با توجه به اینکه شرط برخورداری از معیت خاص الهی، ایمان به خدا، تقوا، صبر و احسان و اطاعت از دستورات خدا و پیامبر و پایبندی به میثاق الهی می‌باشد که امامان معصوم (ع) از این شرط برخوردارند. در برخی از روایات به همراهی قرآن و عترت اشاره شده‌است. (۱) معیت قرآن و اهل بیت در سیره علمی و عملی؛ (۲) معیت در رتبه و منزلت؛ (۳) معیت در یاری و پشتیبانی یکدیگر. سخن‌گفتن از شخصیت واقعی امیرالمومنین (ع) برای همگان امری بس دشوار، بلکه ناممکن است و تنها کسانی می‌توانند به معرفی ایشان بپردازند که آگاهی کامل از همه ابعاد وجودیش داشته‌باشند. در جهان آفرینش، جز خدا و پیامبر (ص) کسی را نمی‌توان یافت که از این آگاهی جامع برخوردار باشند چنان که پیامبر (ص) نسبت به آن حضرت فرمودند: «ولا عرفك إلا الله وانا»؛ «له علی حق لایعلمه إلا الله وانا»

«کسی جز خدا و تو مرا نشناخت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹، ۸۴). «عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَبْرُدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ «علی با قرآن است و قرآن با علی است» (حلی، ۱۳۹۹: ۱، ۳۳۶). این حدیث اشاره بر همراهی امام علی (ع) و قرآن، و معیت قرآن با امام علی (ع) دارد.

معیت حجت خدا با خلق

در اعتقاد اسلامی، بشر همواره نیازمند هدایت‌گر است. به همین دلیل، از ابتدای آفرینش انسان تاکنون هیچ‌گاه جهان از پیامبران و امامان هدایت‌گری که حجت‌های خدا بر بندگانش هستند، و بر آن‌ها معیت دارند خالی نبوده است. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«لَوْلَا أَرْسَلْنَا إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا وَأَقَمْتُمْ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنَخْزِي» (طه/۱۳۴)؛ «پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه به این عذاب و ذلت و خواری گرفتار شویم».

درواقع اعتقاد به ضرورت وجود حجت الهی در هر عصر، یکی از مبانی اساسی امامت و ولایت است. بر این اساس، خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته‌ای را به‌عنوان حجت‌های خود بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه بی‌نیاز از این حجت‌ها نمی‌شوند. حجت‌های الهی همواره در دید بندگان ظاهر نیستند و براساس مصالح و حکمت‌هایی در برخی ادوار زمانی از دیدگان مردم پنهان می‌شوند. شیخ صدوق (ره) در مورد این مبنای مهم اعتقادی می‌نویسد: و واجب است که مؤمن معتقد باشد که زمین هیچ‌گاه از حجت خدا بر آفریدگانش خالی نمی‌ماند، خواه این حجت آشکار و شناخته‌شده باشد و خواه ترسان و پنهان از دیده‌ها باشد (رازی، ۱۴۱۸: ۳۸).

خداوند در آیه زیر هدف از فرستادن پیامبران را اتمام حجت بر مردم و جلوگیری از آوردن عذر و بهانه بر آن‌ها دانسته است: «لَوْلَا أَرْسَلْنَا إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا وَأَقَمْتُمْ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنَخْزِي» (طه/۱۳۴)؛ «پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه به این عذاب و ذلت و خواری گرفتار شویم».

انواع معیت خداوند با انسان

الف. معیت عام

این نوع معیت به‌صورت عام و گسترده، تمام آفریدگان و تمام انسان‌ها در هر شرایطی خواه مؤمن یا کافر را دربردارد. این همراهی همان معیت مطلق است و محدود به زمان و مکان نمی‌شود. این شکل از همراهی الهی، فواید فراوانی چون دوری از گناه و معصیت را به‌دنبال دارد. آیاتی که دلالت بر این معیت دارند قبلاً ذکر شده‌اند.

ب. معیت خاص

شکل دوم معیت الهی همراهی خاص به‌عنوان لطف و عنایت خاص خداوند سبحان را بیان دارد و شامل برخی از بندگان برگزیده ایشان است. بندگان خاص نیز، افرادی هستند که دارای صفات ایمان،

صبر، تقوا و احسان اند، و در قرآن کریم از آنان به‌عنوان مصاحب خدای متعال به‌صراحت یادشده است. این نوع از همراهی همان معیت رحیمه است که به موجب آن شخص با یاری خاص خداوند مشکلات پیش رویش را به بهترین شکل حل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۹۲).

راه‌های دستیابی به معیت خاص الهی

در برخی از آیات قرآن کریم، معیت خاص الهی، صریح و مستقیم، مورد توجه است و می‌توان با دلایل روشن به راه‌های دستیابی به معیت خاص الهی پی‌برد. ولی در بعضی آیات دیگر غیرمستقیم و تلویحی به آن اشاره شده است که نیازمند اندکی تأمل است.

آیات با دلایل صریح

خداوند متعال باصراحت، معیت ویژه و خاص خود را با مؤمنین، متقین، صابرين و محسنین بیان داشته است. این عناوین از لحاظ مصداق با هم تفاوتی ندارند و هریک از آن‌ها ناظر بر یکی از ابعاد انسان شایسته است. در واقع تمام این ویژگی‌ها در بندگان خاص الهی که از لحاظ فکری و نظری به خداوند واحد، مؤمن و معتقد هستند جمع شده است. این بندگان خاص به دستورات انسان‌ساز خدا پایبند بوده و در تمام ابعاد زندگی خود، با تقوا پیشگی و صبر از سختی‌ها عبور و به دیگران احسان، نیکی می‌ورزند.

خداوند در مورد معیتش با مؤمنین می‌فرماید: «إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئاً وَ لَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال/۱۹۹)؛ «ای مشرکان اگر شما پیروزی حق را می‌طلبید، اینک پیروزی به سراغ شما آمد و اسلام پیروز شد و اگر از دشمنی بازایستید، آن برای شما بهتر است و اگر به جنگ برگردید ما هم برمیگردیم، و بدانید که گروه شما هرچند زیاد باشد، هرگز از شما چیزی را دفع نتواند کرد و خداست که با مؤمنان است». در حقیقت، پیام روشن این آیه بیان می‌کند که علت شکست و ناکامی مشرکان، تقابل و صف آرایی آن‌ها در برابر خداوند قهار و سبب پیروزی و موفقیت مؤمنان، ایمان آنان به خدا و همراهی او با آنان است. با توجه به دیگر آیات و روایاتی که ویژگی‌های مؤمنین در آن‌ها بیان شده مشخص می‌گردد که راه دستیابی به معیت خدا متصف به اهل ایمان است یعنی اگر سالک ویژگی‌های مؤمنین را در خود ایجاد کند مشمول معیت خدا خواهد شد (مجلسی، ج ۸۹: ۲۰۷-۱۰۷).

دسته دوم که با خداوند معیت دارند متقین هستند. خداوند در این باره چنین خبر می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۱۲۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نخست با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نسازد. آن‌ها نیز باید در شما شدت و قدرت، احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است». پیام این آیه و تمام روایات این است که ممکن است برخورد با دشمنان آسیب‌ها و کاستی‌هایی همچون افراطی‌گری و حرکت‌های احساسی و خارج از

قانون به همراه داشته باشد. از این رو، خداوند ضمن تأکید بر جهاد قاطع با کافران، عنایت و همراهی خود را شامل بر کسانی می‌داند که در این زمینه تقوا پیشه‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹، ۲۰۷ - ۱۰۷).

دسته سوم صابریین هستند، با توجه به آیات قرآن و روایات ویژگی‌های صابریین بررسی می‌شود. صبر در اصل به معنای حبس کردن و محبوس داشتن است و از همین رو به ماه رمضان، شهرالصبر گفته شده، زیرا با روزه‌گرفتن در این ماه، نفس انسان از خوردن و آشامیدن و آمیزش حبس می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۷، ۲۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۳۹۵). خداوند در قرآن کریم درباره صبر می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳)؛ «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر و استقامت و نماز، کمک بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است». و یا آیه مبارکه: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶)؛ «و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است».

در حدیثی از علی (ع) آمده است: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ، صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ، وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۴، ۲۷۶). امام در این گفتار حکیمانه می‌فرماید: صبر بر دو قسم است صبر در برابر انجام طاعت و صبر بر ترک معصیت است. در واقع نوع اول اشاره به صبر در برابر مشکلات عبادت است و نوع دوم اشاره به شکیبایی در مقابل ترک گناهان است و آنچه مفسران در این زمینه گفته‌اند این است که نوع اول از نوع دوم سخت‌تر است و گاهی هم مورد اول مهم‌تر است و گاه مورد دوم چرا که به نوع طاعت و معصیت بستگی دارد. اگر صبر و مقاومت انسان کم باشد، با برخورد به موانع از راه می‌ماند و به مقصد نمی‌رسد. به همین دلیل صبر و استقامت مهم‌ترین وسیله پیروزی انسان در دنیا و آخرت است، از این رو خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰)؛ «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یگانه است سپس استقامت ورزیدند فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند و می‌گویند: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است». لذا نزول و حمایت فرشتگان از مؤمنان در درجه اول مشروط به صبر و استقامت است (جعفری، ۱۳۷۶: ۶۹۷). بنابراین صبر از فضایل بزرگ اخلاقی است و درجات افراد به میزان برخورداری از این فضیلت متفاوت است. اهمیت صبر در حدیث رسول (ص) این‌گونه بیان شده است: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ»؛ «صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲، ۹۱، ۱۵).

دسته چهارم محسنین هستند با توجه به آیات قرآن و روایات کسانی که به دستورات خداوند عمل می‌کنند جزو محسنین هستند. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»؛ «محققاً خدا یار و یاور متقیان و نیکوکاران عالم است» (نحل/۱۲۸). یا در آیات

مبارکة « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ »، «خدا نیکوکاران را دوست‌می‌دارد» (بقره/۱۹۵)؛ «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است (اعراف/۵۶). تمام این آیات به نقش احسان در رسیدن به معیت خاص الهی تأکید می‌کنند.

در آیه مبارکة: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹)؛ «و آنان که در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند محققاً آن‌ها را به راه‌های معرفت و لطف خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است». این مسأله با تأکید بیشتری مورد توجه است. در حالت کلی با توجه به آیات بررسی شده انفاق‌کنندگان، شکیبایان، پارسایان، هدایت‌یافتگانی که شکرگزارند، مجاهدان در راه خدا، برپاکنندگان نماز، زکات‌دهندگان، اهل یقین به آخرت، کسانی که به سخن حق ایمان آوردند و با عمل آن را تصدیق کردند و کسانی که با بیم و امید خدا را می‌خوانند و مصلحان زمین‌اند همگی از محسنین هستند.

آیات با دلایل غیر صریح

برخی آیات غیر صریح به تأثیر برخی موارد دست‌یابی به معیت خاص الهی اشاره دارد؛ اولین مورد اطاعت از دستورات خدا و پیامبر است که موارد دیگر همگی تصدیق این مورد اصلی می‌باشند.

الف. اطاعت از دستورات خدا و پیامبر

بی‌تردید فقط گروه‌های خاص از بندگان مشمول معیت خاص الهی هستند و تمام کسانی که در فکر و عمل از ایشان پیروی کنند نیز مشمول این عنایات و معیت خواهند بود. «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹)؛ «و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند البته با کسانی که خدا به آن‌ها لطف فرموده یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد، و اینان نیکورفیقانی هستند». نزول این آیه بشارت داد که مطیعان پروردگار در بهشت همنشین پیامبران و برگزیدگان خدا خواهند بود.

ب. همراهی با راستگویان

خداوند عزوجل در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت فرمان خدا پرهیزید و با صادقان و راستگویان باشید». با تأمل در این آیه درمی‌یابیم که دوستی، همنشینی و همراهی با راستگویان، یکی از عوامل تربیت و جلوگیری انسان از انحراف و محقق بخش معیت خاص الهی است. فخر رازی در این زمینه می‌گوید: معصوم، فرد خاصی نیست، بلکه اجماع امت از خطا معصوم است!! آیا اجتماع افراد جایز الخطا و فاسق، عصمت‌آور است؟ در پاسخ به این سؤال ابن منظور می‌گوید: راستگو باشید. البته برخی از علما، مقصود از «صادقین» را خاندان معصوم پیامبر (ائمة اطهار علیهم السلام) دانسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ۱، ۳۰۷؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۲: ۲، ۲۰۸؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۵). با توجه به مطالب

گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که همراهی با ائمه علیهم السلام موجب برخورداری از معیت ویژه الهی خواهد شد، چراکه ایشان از مصادیق روشن صدیقان، شهدا و صالحین هستند.

ب. پایبندی به عهد و میثاق الهی

خداوند متعال در بیان یکی از امور مهم مرتبط با بنی اسرائیل می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ» (مائده/۱۲)؛ «و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آن‌ها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم که پیشوای هر سبطی باشند و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم». میثاق در اصل از وثق، به معنای اعتماد است. چنانکه ثقه، شخص قابل اطمینان و مورد وثوق می‌باشد. بسیاری از اندیشمندان لغت میثاق را همان پیمان محکم معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۸۵۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۱۶، ۳؛ طریحی، بی‌تا؛ ۱۳۷۵: ۲۴۳). برخی از کلمات هم-ریشه این کلمه و آیات قرآنی نیز همین معنا را تأیید می‌کنند. کلمات هم‌ریشه مانند کلمه وثیق (به معنای شیء محکم)، وثاق (به معنای ریسمان) و یا کلمه موثق (به معنای پیمان محکم) می‌باشند (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۵، ۲۱۲). در قرآن کریم به نقل از حضرت یعقوب به فرزندان‌شان آمده است: «لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُوا مَوْتَقًا مِنَ اللَّهِ» (یوسف/۶۶)؛ «تا شما برای من به خدا عهد و قسم یاد کنید که او را برگردانید». یا در آیه شریفه: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره/۸۳)؛ «یاد آرید هنگامی که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که جز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز به پای دارید و زکات (مال خود) بدهید». مشخص می‌شود که عهد و پیمان خداوند با آنان این بود که جز خدا را نپرستید به پدر و مادر، یتیمان، خویشاوندان، مسکینان احسان کنید با مردم با نیکی سخن بگویید و نماز و روزه و زکات برپا دارید. بنابراین، با توجه به این توضیحات و آیات؛ میثاق و موثق، از مصادیق عهد و پیمان و به معنای عهد و پیمان مستحکم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر آیات قرآنی و روایات به این نتیجه می‌رسیم که: معیت الهی به دو گونه خاص و عام تحقق می‌یابد. معیت عام که به معنای اشراف وجودی و احاطه علمی خداوند سبحان به کار می‌رود، شامل همه بندگان از جمله انسان‌هاست. معیت خاص که در قرآن گاه در مواردی صریح و در مواردی غیرصریح بیان شده‌است و ویژه گروه‌های خاص از بندگان است که به سبب آنکه رفتارهای خاص از آن‌ها سر می‌زند و به صفاتی ارزشمند متصف‌اند، خداوند به آن‌ها ارزانی می‌دارد. این نوع از معیت، در قالب صفات ارزشمندی چون: حفظ، نصرت، رحمت و ... تحقق می‌یابد. بر اساس آیاتی که صراحتاً از معیت خاص الهی یاد کرده‌اند، می‌توان دریافت که این عنایت خاص الهی فقط از طریق ایمان به خدای متعال و یکتا، تقوا و صبر در مسیر به دیگران تحقق می‌یابد که بالاتر از عدالت است. بر اساس آیاتی که غیرصریح از معیت خاص الهی یاد کرده‌اند می‌توان دریافت که با پیروی از دستورات خدا و پیامبر، همراهی در رفتار و عمل با امام معصوم (ع) و پایبندی به میثاق الهی معیت خاص الهی تحقق می‌یابد. کمال تفسیر از معیت، در «معیت قیومیّه» جلوه می‌کند. معیت قیومیّه، حاصل درآمیختگی دیدگاه‌های فلسفی، کلامی، عرفانی و قرآنی است هرچند انتقاداتی بر این تفاسیر وارد می‌شود اما در حل مسأله فهم آیه، بر دیگر تفاسیر برتری دارد. افزون بر این، «معیت قیومیّه»، اقسام معیت را در میراث فلسفه اسلامی (در بحث از تقدم و تأخر) گسترش می‌دهد؛ البته این مسأله نیازمند مطالعاتی عمیق‌تر است و باید تأثیر معیت قیومیّه بر فلاسفه کامل بررسی شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه: امیر توحیدی، تهران، انتشارات حافظ نوین، ۱۳۸۵.
- نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر: علامه محمدتقی جعفری، ۱۳۷۶ ش، نشر فرهنگ اسلامی.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم تحقیق احمد فارس، لسان العرب، دارالفکر و دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ابن عربی، محمد، الفتوحات المکیه، موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۲۹۳ ق.
- بحرانی، ابن میثم، کتابشناسی توصیفی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
- حلی، شیخ حسن بن سلیمان، کتاب مختصر البصائر؛ نویسنده: مترجم: امیر توحیدیان انتشارات: شرکت چاپ و نشر بین الملل ۱۳۹۹ ش.
- خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر قرآن، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- جوادی آملی، سعید، حیات حقیقی انسان در قرآن، انتشارات اسراء، ۱۳۹۴ ش.
- رازی، ابن بابویه، الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۸ ق.
- ، الهدایه، موسسه امام هادی (ع)، قم، ۱۴۱۸ ق.
- شیخ مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ص ۱۸، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق؛
- قمی، ابن بابویه، ابوجعفر محمد بنعلی، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
- قرشی بنایی، علی اکبر، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ ق.
- طریحی، فخرالدین، کتاب مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- مفضل، حسین بن محمد بن معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتب، ۱۴۰۴ ق.

Different Types of Divine Companionship and the Ways to Achieve It

Marzieh Karami¹, Amir Tohidi^{2*}, Mohsen Ehteshaminia³

PhD Student, Quranic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *Corresponding Author, amir_tohidi_110@yahoo.com

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The word ma'iyat is one of the most important words in Quranic verses and narrations. The word "ma'iyat" with the title of "companionship" and "complete encirclement" is in the form of general divine presence and special divine presence. God's general providence includes all humans, but God's special providence is obtained by observing certain conditions, including piety. Most of the time, special divine permission is referred to as divine permission and divine proofs, and divine proofs are the same as the infallible prophets and imams. Therefore, humans need the infallible Imam in every moment of time in order to reach the special divine destiny. In this research, an attempt has been made to analyze the types of divine blessing and the methods of attaining special divine blessing by relying on the verses of the Holy Quran and the traditions of the infallible imams and the precious hadiths of those nobles.

Keywords: ma'iyat, general ma'iyat, special divine ma'iat, divine authority.